

چگونگی شکست آل سعود در سایه حکومت بن سلمان

روزنامه‌ها **آر تی وی** در مطلبی با عنوان «چگونه بن سلمان پایه‌های دیپلماسی سعودی را در هم شکست» نوشت: علاوه بر سرمایه‌گذاری‌های کلان و گسترده در غرب، پادشاهی عربستان سعودی برای نجات برخی رژیم‌ها، وام و کمک ارائه می‌کند و این مسئله در کنار یکدیگر برای مهار بهای جهانی نفت، اساس و پایه دیپلماسی سعودی به شمار می‌رود.

و به این شیوه، پادشاهی، دولت‌هایی را به وجود می‌آورد که مدیون آن باشند و این دولت‌ها باید گاهی اوقات چیزی را به **سعودی** برگردانند. این کشورها شامل لبنان، مصر، اردن، سودان، پاکستان، فیلیپین و مغرب می‌شوند، سعودی‌ها میلیاردها دلار در لبنان سرمایه‌گذاری کرده‌اند و مصر هم به طور روزافزون از نظر مالی به ریاض وابسته شده است.

عربستان همچنین میلیون‌ها کارگر از کشورهای عربی و آسیایی را به کار گرفته است. سعودی‌ها در مقابل این کمک‌ها به کشورهای یاد شده، از آنها انتظاراتی هم دارند، به همان شیوه‌ای که سعودی از کشورهای غربی می‌خواهد نقض حقوق بشر در عربستان را نادیده بگیرند، از مصر خواست تا جزایر تیران و صنافیر در دریای سرخ را به پادشاهی سعودی تسلیم کند.

در ادامه این مقاله به شعله ور شدن آتش جنگ ویرانگری علیه ملت یمن از سوی رژیم سعودی و متحدانش اشاره شده و با شورشی خواندن رزمندگان یمنی که در مقابل متجاوزان از کشورشان و ملت یمن دفاع می‌کنند، آمده است: در سال ۲۰۰۲ میلادی، ریاض، اتحادیه عرب را وادار کرد تا طرح ابتکاری ملک عبداللّه برای صلح در خاورمیانه را تایید و تصویب کند. نمونه دیگری در این زمینه وجود دارد و آن ائتلافی است که با شورشیان (نیروهای مردمی انصارالله) می‌جنگد که ایران در یمن از آنها حمایت می‌کند و این ائتلافی است که حتی کشور سنگال را که در فاصله دوردست قرار دارد، در خود جای داده است.

در طول چندین دهه، پادشاهی سعودی ترجیح داد در پشت پرده و نه به صورت آشکار و در مقدمه تحرکات دیپلماتیک یا نظامی به استثنای جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس) حرکت کند.

فروش نفت و معاملات تجاری گسترده، منافع سعودی برای غرب را تضمین کرده است. در خاورمیانه، ریاض میدان را برای کشورهایمانند مصر یا نهادهایی مانند اتحادیه عرب باز گذاشته است، اتحادیه عرب به نهادی که همواره برای تبلیغ مواضع سعودی عمل می‌کند، معروف شده است.

ولی پس از آنکه ملک سلمان، حاکمیت و اداره کشور را عملاً به محمد بن سلمان پسرش منتقل کرد، استراتژی پادشاهی سعودی هم به شکل قابل ملاحظه‌ای تغییر کرد.

پادشاهی سعودی در حال حاضر مسئولیت مستقیم طرح‌ها و برنامه‌هایی را دارد که بسیاری از آنها برای مانع تراشی در برابر رقیب استراتژیک خود، ایران طراحی شده است و این چنین است که خاورمیانه به صحنه درگیری تبدیل شده که پادشاهی عربستان سعودی مستقیماً در آن شرکت دارد.

اولین گام بن سلمان، تجاوز نظامی به یمن بود که با وجود گذشت چند سال، پیروزی برایش محقق نشده این در حالی است که ریاض بهترین سلاح‌های آمریکایی را در اختیار دارد. در آن جنگ، پادشاهی سعودی مسئول قتل هزاران غیرنظامی بوده و بسیاری از آنها از گرسنگی جان باخته‌اند.

دست داشتن پادشاهی سعودی در این تلفات و کشته‌ها در کنار کشتن جمال خاشقجی روزنامه‌نگار سعودی در اکتبر سال گذشته، مجلس سنای آمریکا را متقاعد کرد تا به پایان حمایت آمریکا از ائتلافی که سعودی فرماندهی آن را برعهده دارد، رای مثبت دهد.

حالت دیگری از دخالت آشکار سعودی در پایان سال ۲۰۱۷ رخ داد و آن زمانی بود که بن سلمان ولیعهد سعودی به سعدالحریری نخست وزیر لبنان دستور داد استعفا دهد تا دولتی را که حزب الله یکی از شرکای آن بود، سرنگون کند، ولی اعتراضات در لبنان و خارج آن، ریاض را به عقب نشینی از موضع خود وادار کرد.

در جنگ داخلی سوریه، پادشاهی سعودی از شبه نظامیانی حمایت کرد که در قلب رخدادهای شکست خوردند و روس‌ها و ایرانی‌ها مانع تحرکات سعودی علیه حکومت بشار اسد رئیس جمهور سوریه شدند که این مسئله، سعودی‌ها را به عقب نشینی از سوریه وادار کرد.

تلاش‌های سعودی برای وادار کردن اردن به موافقت با حمله به سوریه از خاک خود شکست خورد، چرا که پادشاهی اردن تاکید کرد هرگز خاک این کشور نقطه شروعی برای حمله به سوریه نخواهد شد. علاوه بر آن پادشاهی سعودی، از یک سال و نیم پیش به تحریم قطر دست زد، ولی ائتلاف سعودی با مصر، بحرین و امارات متحده عربی تأثیری بر کشور کوچک اما ثروتمند قطر که همچنان در حال شکوفایی و رشد است، نگذاشت و عربستان سعودی اکنون تحت فشار سعودی قرار دارد و ممکن است به تحریم قطر پایان دهد و تا کنون به نظر می‌رسد که استراتژی بن سلمان، نتیجه و سودی برای پادشاهی عربستان نداشته است.

در پایان مقاله این رسانه رژیم صهیونیستی که از به خطر افتادن آینده آل سعود ابراز نگرانی می‌کند، آمده است: بدیهی است که معضل و مشکل عربستان سعودی فقط در این نهفته نیست که آیا بن سلمان می‌تواند در مقام و جایگاه خود باقی بماند یا از ضرر و زبانی که به سبب مسئله خاشقجی برای پادشاهی سعودی به بار آورد، جلوگیری کند، بلکه ریاض باید در حال حاضر استراتژی جدیدی را پایه‌ریزی کند که جایگاه آن را به عنوان یک قدرت منطقه‌ای به آن برگرداند.

<https://www.otaghkhabar24.com/news/170304> Source URL: